

اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

دیرروز، سوم شهریور، مصادف با هشتادوچهارمین سالگرد اشغال ایران در میانه جنگ دوم بود. این تحول یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر ایران است که علاوه بر خسارات عظیم به مردم و کشور، تأثیر بسیاری بر مسیر بعدی امور نیز گذاشت. اگرچه پژوهش‌هایی درباره این واقعه انجام شده است، اما در سطح عموم چندان مورد بحث قرار نگرفته و از تجربیات سخت آن بهره چندان برای شرایط روز برده نشده است. در زیر با حداکثر اختصار به برخی از سرفصل‌های این واقعه مهم می‌پردازم.

چرا ایران اشغال شد؟

بهانه متفقین برای اشغال ایران، رابطه نزدیک دولت رضاشاه با آلمان و حضور چندصد آلمانی در ایران بود. انگلیس و شوروی که از هر چهار سمت همسایه ایران بودند و جنگ با دول مجبور برای آنها معنای مرگ و زندگی یافته بود، نگران تسلط آلمانی‌ها بر ایران، افتادن حوزه‌های نفتی ایران به دست آلمان و گشایش جبهه جدیدی علیه شوروی که در معرض سقوط به دست آلمان قرار داشت، بودند. انگلیس و شوروی مدعی بودند حضور آلمانی‌ها به شمول جاسوسانی در بین آنها تهدیدی علیه متفقین است. قیام رشید عالی گیلانی در همسویی با آلمان علیه انگلیس در عراق در فروردین و شکست آن در خرداد ۱۳۲۰ و آمدن او به ایران موجب تشدید نگرانی انگلیس از تحولی مشابه در ایران شده بود (حسین مکی، ج ۷، ص ۲۷). رضاشاه که از دی‌ماه ۱۳۱۹ با درخواست مستمر انگلیس و شوروی برای اخراج آلمانی‌ها مواجه بود، تا اواخر مرداد اعتنایی به این درخواست‌ها نداشت. با حمله آلمان به شوروی در تیر ۱۳۲۰ و اتحاد نظامی رسمی شوروی و انگلیس، نه تنها ورق برای جنگ دوم بلکه برای ایران نیز برگشت.

ادامه در صفحه ۸

به مناسبت هفته دولت

هدیه‌ای از جنس نقد^(۲)



سیدمحمدعلی ابطیحي

جناب آقای عراقچی عزیز سلام از فعالیت شبانه‌روزی شما در این سال پرماجرا که همه چیز به‌نوعی به سیاست خارجی وصل بود، تشکر باید کرد. شاید یکی از سخت‌ترین روزگاران وزارت خارجه در تاریخ دیپلماسی بود و هست. خسته نباشید. اما:

۱- شجاعت وزارت و وزیر خارجه در این شرایط نیاز ملی است. معنای شجاعت برای وزیر خارجه این است که تا می‌تواند با پشتوانه اطلاعات و تحلیل‌های جدی، تصمیم‌گیران را قانع کند که تصمیم خوب و به نفع مردم بگیرند؛ همان کاری که مدیران دوران امام برای پایان جنگ کردند.

۲- جمله‌ای از قول امام نقل می‌شود که حرف مرد لازم نیست یکی باشد. سیاست به تناسب نیازهای روزمره می‌تواند تغییر کند؛ به کشورهای جهان و اخیراً منطقه نگاه کنید؛ تغییرات زیادی در سیاست‌هایشان می‌دهند و این تغییرات نیاز روزمره آنها را تأمین می‌کند. مبادا در دام این بیفتید که «حرف

مرد یکی است» و این همه سال مخالفت با اینچا و آنجا کرده‌ایم. پس نباید حرف‌مان تغییر کند.

ادامه در صفحه ۸

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۴
۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۲۶ آگوست ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۱۸۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



درس گفتگو: گفت‌وگوی احمد غلامی با نگین یاوری

سنت وزیرکشی
یا خردکشی

۶

در «شرق» امروز می‌خوانید: بازگشت به مرزهای ۱۹۷۴ در سایه بحران منطقه • صداسویما و دانشگاه؛ بسیار دور، بسیار بیگانه / مصطفی عباسی‌مقدم • میانگین ۱۷دقیقه‌ای رسیدن اورژانس به محل حادثه

بررسی جزئیات یک تبعیض جنسیتی؛ ۲۳۸ فرصت شغلی برای مردان و تنها ۱۹ فرصت برای زنان در دفترچه آزمون استخدامی یک بانک

زنان پشت خط جذب

گزارش تینیریک را در صفحه ۱۰ بخوانید

«شرق» گفته پزشک‌یان درباره قطع بودجه برخی نهادها و سازمان‌ها را واکاوی می‌کند

از آزمون شجاعت تا آزمون سیاسی

جدال چنارها و پاجوش‌ها
بر سر پزشک‌یان



یادداشت

فریاد زیر آب!



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«علت شکست دولت، میراث نهاد‌های بهره‌کش است که قدرت و ثروت را در دست کسانی قرار می‌دهد که دولت را در دست دارند و راه را برای آشوب، نزاع و جنگ داخلی باز می‌کنند» (چرا کشورها شکست می‌خورند). به نظر می‌رسد سه‌گانه آقای پزشک‌یان تکمیل و

به قول معروف تا سه نشه بازی نشه، تمام شده و خوب است دیگر ایشان دست به اقدام بزنند. بعد از «به هر چی می‌خواهیم دست بزنیم می‌گویند به این دست نزن. در برق مشکل داریم، در آب مشکل داریم، در گاز مشکل داریم... همه چیز پر از مشکل است، به هر جا دست بزنیم یک جا دردش می‌آید» (۱۴۰۳/۹/۱۷) و «دولت‌ها گیرند و ما هم گیریم، ما که بدجوری هم گیر هستیم، مصیبت می‌بارد و دست‌بردار هم نیست، تا می‌خواهیم به یک ساحل برسیم،

ادامه در صفحه ۱۰

ماشه؛ بیمه‌نامه فشار



حامد نقی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

برجام، از همان آغاز، نه توافقی برای حل بحران، بلکه طراحی‌ای برای مدیریت آن بود؛ مدیریتی که هدفش نه ثبات، بلکه تداوم فشار بود. در دل این معماری، مکانیسم ماشه همچون بندی اضطراری تعبیه شد؛

بندی که ظاهراً حقوقی بود، اما روحش امنیتی. ماشه، نه ابزار نظارت، بلکه بیمه‌نامه‌ای برای بازگشت تحریم‌ها بود؛ تضمینی برای آنکه ایران، حتی در صورت پایبندی کامل، هرگز از مدار انزوا خارج نشود. این بند، با ظرفیتی خاص، توافق را به یک قرارداد تعلیق‌شده بدل کرد؛ قراردادی که در هر لحظه می‌توانست از مسیر دیپلماسی به مسیر تهدید بازگردد.

ادامه در صفحه ۳

برگزیده‌ها

امروز بار دیگر مذاکرات هسته‌ای در ژنو آغاز می‌شود

راهبردهای تهران در برابر تندروی اروپا

۳

اسرائیل در برابر فشارهای آمریکا برای کاهش حملات به لبنان عقب نشست

بازی زمان در مرزهای پرتش

۵

کارشناسان می‌گویند تصمیم دولت برای ضمانت بدهی شرکت‌های دولتی، تشدید رکود و تورم را به دنبال خواهد داشت

بدهکار، ضامن بدهکار!

۴

۵ دیدار هفته دوم لیگ برتر امروز برگزار می‌شود

استقلالی‌ها در صدد جشن با هوادار

۹

چگونه تحولات تاریخی و تراز‌دی‌های حوادث کار منجر به شکل‌گیری و تکامل قوانین و نهادهای مرتبط با ایمنی کار شدند

تراژدی‌های نهادساز

۴

به بهانه نمایشگاه آثار اردشیر محمص در گالری نگاه

بی‌شرم و بی‌رحم

۱۱

یادداشت

لطفا آتش بس، لطفا راه حل!



غلامرضا نظریلند

تحلیلگر

می‌گویند در حیات وحش وقتی گوزن‌ها (ایمالاها) با هم می‌جنگند، هر دو طرف پیروز یا بازنده به‌شدت خسته می‌شوند و همین خستگی آنها را از گریختن از دست حیوانات درنده نظیر شیر و پلنگ باز می‌دارد و آنها را به راحتی طعمه این شکارچیان می‌کند.

این حکایت به‌ویژه در فضای ملت‌بته این روزهای کشور، قریب به ذهن می‌نماید؛ زیرا درحالی‌که دشمن مام میهن به راه‌اندازی جنگ‌های جدید می‌اندیشد و هوشمندان کلیه حرکات و سکنات ما را می‌پاید، نیروهای سیاسی داخلی و پیوسته‌های رسانه‌ای آنها و تربیون‌دارها و محفلی‌ها و مجلسی‌های پیدا و پنهان و از این قبیل، به جان هم افتاده و خواسته یا ناخواسته و دانسته یا نادانسته عملاً وارد بازی حذفی شده‌اند؛ حذفی که اگر هم کاملاً محقق نشود، دست‌کم توان

آنها را می‌ساید و تاب‌آوری و هم‌آوردی‌شان را در مقابله با دشمن خارجی منتفی می‌کند.

ادامه در صفحه ۸

